

به نام خدا

# تأثیر سبکهای مدیریت کلاس معلمان بر میزان رشد فراشناخت دانش آموزان

مولفان :

آرش تمنادار

جعفر حمزوی

حسین خوشنودی

بهروز جلالی

علی دولت آبادی نژاد

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

عنوان و نام پدیدآور: تاثیر سبک‌های مدیریت کلاس معلمان بر میزان رشد فراشناخت دانش‌آموزان/ مولفان آرش تمنادار... [و دیگران].

مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۱۱۷ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۵۳۲-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: مولفان آرش تمنادار، جعفر حمزوی، حسین خوشنودی، بهروز جلالی، علی دولت‌آبادی‌نژاد.

یادداشت: کتابنامه.

Classroom management

موضوع: کلاسداری

Metacognition

فراشناخت

Effective teaching

تدریس اثربخش

Learning

یادگیری

Teacher-student relationships

معلمان -- روابط با شاگردان

شناسه افزوده: تمنادار، آرش، ۱۳۶۴-

رده بندی کنگره: LB۳۰۱۳

رده بندی دیویی: ۳۷۱/۱۰۲۴

شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۷۶۵۵۹

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: تاثیر سبک‌های مدیریت کلاس معلمان بر میزان رشد فراشناخت دانش‌آموزان

مولفان: آرش تمنادار - جعفر حمزوی - حسین خوشنودی

بهروز جلالی - علی دولت‌آبادی‌نژاد

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زبرجد

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۵۳۲-۱

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران  
Chaponashr.ir

## فهرست مطالب

۵.....	فصل اول .....
۵.....	کلیات .....
۶.....	مقدمه .....
۱۹.....	فصل دوم .....
۱۹.....	مبانی نظری .....
۲۰.....	مقدمه .....
۲۱.....	تعاریف مدیریت کلاس .....
۲۴.....	اهداف مدیریت کلاس .....
۲۷.....	سازمان دهی و مدیریت کلاس .....
۲۸.....	ابعاد مدیریت کلاس .....
۳۱.....	فنون مدیریت کلاس .....
۳۷.....	موانع مدیریت کلاس درس .....
۴۴.....	تئوریهای مدیریت کلاس .....
۴۴.....	نظریه تدریس اثربخش (TET) .....
۴۵.....	نظریه آدلر .....
۴۶.....	نظریه ویلیام گلسر .....
۴۹.....	نظریه انضباط مثبت .....
۵۰.....	نظریه انضباط قاطعانه .....
۵۱.....	انضباط قضاوتی .....
۵۲.....	انضباط مشارکتی .....
۵۳.....	مدل عدالت اجتماعی .....
۵۴.....	سبکهای مدیریت کلاس .....
۶۳.....	اصول کلی مدیریت کلاس .....
۶۸.....	فراشناخت .....
۷۲.....	تعاریف فراشناخت .....
۷۴.....	ابعاد فراشناخت .....
۷۴.....	دانش فراشناختی .....
۷۵.....	مقوله شخص .....
۷۶.....	مقوله تکلیف .....

۷۶	.....	مقوله استراتژی
۷۹	.....	تنظیم فراشناختی
۸۰	.....	مهارت‌های فراشناختی
۸۱	.....	مهارت برنامه ریزی
۸۲	.....	مهارت نظارت
۸۴	.....	مهارت ارزیابی
۸۴	.....	آموزش مهارت‌های یادگیری : شناختی و فراشناختی
۸۵	.....	روش پس ختام یا روش پس خبا
۸۶	.....	پیش خوانی
۸۶	.....	سؤال کردن
۸۷	.....	خواندن
۸۷	.....	تفکر
۸۸	.....	از حفظ گفتن
۸۸	.....	مرور کردن
۸۸	.....	روش کاپس
۸۹	.....	روش مردر
۸۹	.....	حال وهوا
۹۰	.....	درک و فهم
۹۱	.....	کشف وهضم
۹۱	.....	بسط و گسترش
۹۲	.....	مرورکردن و پاسخ دادن
۹۲	.....	روش آموزش دو جانبه
۹۳	.....	روش مطالعه مشارکتی
۹۴	.....	نظراتی در باب ارتقاء فراشناخت
۹۵	.....	آموزش مستقیم استراتژی‌های فراشناختی
۹۶	.....	استراتژی‌های فراشناختی
۹۹	.....	نظریه جرج اسکراو و تئوری‌های فراشناختی
۹۹	.....	تئوری‌های فراشناختی
۱۰۱	.....	انواع تئوری‌های فراشناختی
۱۰۴	.....	منابع تئوری‌های فراشناختی
۱۰۸	.....	نظریه ویگوتسکی (نقش تعامل اجتماعی)

فصل اول

کلیات

## مقدمه

در قرن حاضر پیشرفت فناوری، تغییرات سریع، و پدیده جهانی شدن بر تمام ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جوامع بشری تاثیر زیادی گذاشته است. همگام با این تغییرات رو به رشد، انتظارات جامعه از آموزش و پرورش نیز هر روز تغییر یافته و باعث شده تا دست اندرکاران، مسئولین آموزش و پرورش، مدیران مدارس و معلمان پاسخگویی به نیازهای دانش‌آموزان، اولیاء، بازار کار و جامعه را در الویت کار قرار دهند. از آنجا که اکثر اوقات دانش‌آموزان، در کلاس درس می‌گذرد، پاسخگویی به انتظارات، خواسته‌ها و نیازهای افراد ذینفع از طریق تعامل معلم و دانش‌آموز در کلاس درس نمود می‌یابد و مردم نتایج، پیامدها، کارایی و اثربخشی نظام تعلیم و تربیت را متوجه شیوه تدریس، کلاس‌داری و تعامل در کلاس می‌دانند.

یکی از عواملی که امروزه، مدیران و سیاستگذاران آموزش و پرورش به عنوان موضوعی مهم و اساسی بدان توجه دارند، عامل مدیریت کلاس است که از دیر باز به عنوان پیچیده ترین موضوع در بهبود کیفیت آموزش شناخته شده است.

مدیریت کلاس مقدمه و پیش نیاز آموزش است. معلم می‌تواند با شناخت و اجرای مدیریت صحیح، تاثیر و کارایی تدریس را افزایش و مشکلات رفتاری دانش‌آموزان را کاهش دهد. هدف اصلی مدیریت کلاس، همانند هدف آموزش « خود رهبر شدن دانش‌آموزان است». هدف این است که دانش‌آموز به جای آنکه به کنترل خارجی نیاز

داشته باشد بتواند آگاهانه رفتار خویش را کنترل کند و رفتار مطلوب جزئی از شخصیت او شود (بهارى، ۱۳۷۹، ۳۷).

هدف از روش‌های اداره کلاس، فراهم کردن جوی است که در آن تدریس راحت تر صورت پذیرد. آنچه در اداره موثر کلاس درس همواره باید مدنظر باشد، الویت تاکید بر پیشگیری از بد رفتاری نسبت به مقیاس‌های تسکین دهنده، مانند تنبیه است. مشکلات بالقوه رفتاری باید شناخته شود تا با اعمال روش‌های صحیح در کلاس از پیشروی آنها جلوگیری گردد.

به اعتقاد بسیاری از معلمان و مدیران مسائل مربوط به انضباط، کنترل و اداره کلاس مهمترین علل ناموفق بودن معلمان است. هنگامی که بیشتر وقت کلاس صرف مشکلات انضباطی شود بطور عملی زمان کمتری برای تدریس و یادگیری دروس باقی می ماند (رضایی، ۱۳۸۳، ۱۰).

گزارشها نشان داده است که بیش از ۵۰٪ درصد زمان کلاس صرف مسائل انضباطی و اداره کلاس می‌شود (الیز، ۲۰۰۳). مربیان برجسته همیشه تاکید داشتند کیفیت آموزش، یک عامل کلیدی و موثر بر رفتار دانش‌آموزان و موفقیت آنهاست. اما در رویکردهای نوین به آموزش، نقش دانش‌آموز در فرایند یاددهی - یادگیری افزایش یافته است، و توسعه مهارت‌ها و تواناییهای دانش‌آموزان برای پذیرش مسئولیت یادگیری خود هدف واقع شده است، در نتیجه چگونگی واکنش معلم به بد رفتاری دانش‌آموزان به

دلیل تاثیر فراوان بر عملکرد آن اهمیت یافته است چنانکه یک شیوه اثربخش می‌تواند سبب افزایش جایگاه دانش‌آموزان در کلاس و یا عزت نفس آنها شود و آنها را به پذیرش مسئولیت خود ترغیب کند (جانز، ۱۹۹۰).

بنابراین تغییرات ساده در فنون برنامه درسی و آموزشی، برای خلق یک محیط مبتنی بر نیازهای دانش‌آموزان و خلق یک جامعه یادگیری در کلاس کافی نیست؛ بلکه برای فراهم کردن چنین محیط همکاری‌های در کلاس نیازمند تئوری مدیریت کلاس هستیم (مارتین، ۲۰۰۳). بنابراین لازم است در این خصوص فنون و ویژگیهای مورد نیاز مدیریت کلاس شناسایی و تبیین گردد، تا مورد استفاده همه کسانی که با آموزش و پرورش سرو کار دارند قرار گیرد.

با اهمیت یافتن نقش دانش‌آموز در فرایند یاددهی - یادگیری متغیرهای دانش‌آموزی<sup>۱</sup> اعم از انگیزه، استعداد، تواناییهای شناختی و فراشناختی، دانش، مهارت فرد و غیره به عنوان عوامل موثر بر یادگیری مطرح شدند.

وانگ<sup>۲</sup> و همکاران (۱۹۹۰) در یک فراتحلیل جامع برمتون و تحقیقات مربوط به یادگیری، دریافتند که، متغیرهای دانش‌آموزی نسبت به دیگر متغیرهای موثر بر یادگیری الویت داشته و از این بین، عامل توانایی فراشناختی دانش‌آموزان با بالاترین نمره در بین کل متغیرها بعنوان یک عامل بسیار مهم بر یادگیری شناخته شده که در

---

<sup>۱</sup> - Student Variabels

<sup>۲</sup> - Wang

متون علمی معاصر تاکید فراوانی بر آن شده است. (وانگ و همکاران، ۱۹۹۰).

طبق جدیدترین تئوری‌های یادگیری، کیفیت یادگیری بستگی به توانایی‌های یادگیرندگان در هدایت و جهت دهی به یادگیری خودشان، توسعه مهارت‌های پرسشگری، یادگیری تفکر و کنترل فرایندهای یادگیریشان دارد؛ در این بین «مهارت‌های فراشناختی» مفاهیم اصلی و کلیدی هستند.

اصطلاح فراشناخت برای اولین بار در سال ۱۹۷۶ توسط جان فلاول وارد حیطه روان‌شناسی شناختی شد؛ وی این اصطلاح را به عنوان هر گونه دانش یا عمل شناختی که موضوع آن فعالیت‌های شناختی و تنظیم آن است تعریف می‌کند. در حیطه روان‌شناسی شناختی فراشناخت دو بعد اساسی را در بر می‌گیرد؛ دانش فراشناختی<sup>۱</sup> و مهارت‌های کنترل شناخت یا خود - تنظیمی<sup>۲</sup> (مک یوزد، ۱۹۹۷).

به گفته فلاول (۱۹۸۸) بعد اول شامل دانش و باورهای فرد درباره عوامل و متغیرهایی است که با هم در فرایند شناختی تعامل دارند، که این عوامل یا متغیرها عبارتند از دانش درباره توانایی‌های خود، ویژگی‌های تکلیف و راهبردهای شناختی است. و جزء دوم تنظیم شناختی است که اشاره به فرایندهایی دارد که شناخت را هماهنگ می‌کنند. این بعد شامل مهارت‌های فراشناختی است و در انواع فعالیت‌های شناختی از جمله رد و بدل

---

<sup>۱</sup> - Metacognitive Knowledge

<sup>۲</sup> - Self-regulation

کردن اطلاعات بصورت کلامی، نوشتن، فراگیری زبان، ادراک، توجه حافظه، حل مساله، شناخت اجتماعی و اشکال مختلف خود آموزی و کنترل خود نقش مهمی بازی می کند (فلاول، ۱۳۷۷، ۱۷۰). این مهارتها عبارتند از؛ برنامه ریزی، سازمان دهی، مدیریت اطلاعات، ارزیابی و اشکال زدایی<sup>۱</sup> (اسکراو، ۱۹۹۴).

اسکراو<sup>۲</sup> و مشمن<sup>۳</sup>، گستره وسیعی از متغیرها را در شکل گیری فراشناخت موثر میدانند و معتقدند سه عامل در ایجاد و پایه گذاری فراشناخت فرد دخالت دارد؛ یادگیری های فرهنگی<sup>۴</sup>، ساخت یابی فردی<sup>۵</sup> و تعامل با همگنان<sup>۶</sup>.

نظریه های فراشناختی فرد از درونی شدن فرهنگ از طریق یادگیری اجتماعی ساخته می شود و مفاهیم مشترک اجتماعی از طریق آموزش رسمی و غیر رسمی به کودکان انتقال داده می شوند.

بنابراین خود افراد نیز ساختارهای مشخصی را بنا می کنند تا مهارتها و راهبردهای شناختی خود را توسعه و دانش فراشناختی خود را تنظیم کنند و نیز بتوانند شرایطی را بوجود آورند تا در یادگیری، خود تنظیم شوند. تعامل همگنان شامل یک فرایند سازمان دهی اجتماعی است و از انتقال فرهنگی و ساخت فردی متمایز است.

---

<sup>۱</sup> - Debugging

<sup>۲</sup> - Scraw

<sup>۳</sup> - Moshmen

<sup>۴</sup> - Cultural Learning

<sup>۵</sup> - Individual Construction

<sup>۶</sup> - Homogeneity In Teraction

همگنان شامل افرادی دارای سطح مشابه شناخت هستند که تعامل با آنان باعث افزایش عملکرد فرد در تکالیف شناختی می‌شود (اسکراو، ۱۹۹۵).

با توجه به نقش این عوامل، شکل‌گیری مهارت‌های فراشناختی را در کلاس باید در ارتباط با محدوده وسیع‌تری از متغیرهای کلاس درس بررسی کرد. کمیت و کیفیت تعاملات و ارتباطات دانش‌آموزان با یکدیگر و با معلم، شیوه‌هایی که جهت کنترل فعالیتها و رفتار دانش‌آموزان اعمال میشود همچنین آموزش، همگی می‌توانند عواملی اثرگذار بر میزان تحقق مهارت‌های فراشناختی دانش‌آموزان باشد.

این متغیرها که در مجموع به آنها مدیریت کلاس<sup>۱</sup> گفته می‌شود، به وجود آورنده محیط روان شناختی - اجتماعی کلاسی اند و میتوانند اثرات متفاوتی بر درک یادگیرنده از خود و توانایی او در کنترل یادگیری و نظام شخصی بگذارند (مارتین، ۱۹۹۶).

معلمان بر اساس نگرشها و باورهایشان در خصوص ماهیت رفتار دانش‌آموزان شیوه‌های گوناگونی از مدیریت در کلاس را بکار می‌برند که هر کدام می‌تواند اثرات متفاوتی بر عملکرد دانش‌آموزان بگذارد. پژوهشگران با مشاهده رفتار معلمان شیوه‌های مختلفی از مدیریت کلاس گزارش داده‌اند. آنچه برای پژوهشگران در این حیطه اهمیت دارد، شناخت تفاوتهاست؛ اینکه چه شیوه‌ای از مدیریت کلاس موثر و مفید است. گلیکمن<sup>۲</sup> و

---

<sup>۱</sup> - Classroom Management

<sup>۲</sup> - Glickman

تامشایر<sup>۱</sup> (۱۹۸۰) و ولفگانگ<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) با توجه به سه متغیر مدیریت کلاس یعنی؛ مدیریت آموزش<sup>۳</sup>، مدیریت رفتار<sup>۴</sup> و مدیریت افراد<sup>۵</sup>، در یک پیوستار، سه رویکرد به مدیریت کلاس را شرح میدهند؛ رویکرد غیرمداخله گرایان<sup>۶</sup>، رویکرد تعامل گرایان<sup>۷</sup>، و رویکرد مداخله گرایان<sup>۸</sup>.

در رویکرد غیر مداخله گرایان با فرض اینکه افراد بر اساس فطرت و ذات خود رفتار می‌کنند و تربیت فقط فراهم کردن زمینه برای بروز این استعداد های ذاتی است، اعتقاد بر این است که کنترل کمی بر فعالیتهای دانش‌آموزان اعمال میشود. از طرفداران این سبک می‌توان، گردن<sup>۹</sup> (۱۹۹۱). و هیم‌گیوت<sup>۱۰</sup> (۱۹۷۲) را نام برد.

اما در مقابل، رویکرد مداخله گرایان بر این مفروضه استوار است که محیط بیرونی، رشد را شکل می‌دهد؛ و تغییر رفتار پایه تئوریک اندیشه این مکتب است. کانتر (۱۹۹۲) بیان می‌کند انضباط یک نمونه از ایدئولوژی مداخله گرایان است. در این سبک هدایت و کنترل

---

<sup>۱</sup> - Tamshrio

<sup>۲</sup> - Wolfgang

<sup>۳</sup> - Instruction Management

<sup>۴</sup> - Behavior Management

<sup>۵</sup> - People Management

<sup>۶</sup> - Non-Interventionist

<sup>۷</sup> - Interactionist

<sup>۸</sup> - Interventionist

<sup>۹</sup> - Gordon

<sup>۱۰</sup> - Haim Ginott

زیادی بر دانش‌آموزان صورت می‌گیرد. چند نمونه از طرفداران مداخله‌گرایی عبارتند از؛ لی کانتر<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) و فردریک جانز<sup>۲</sup> (۱۹۸۷).

رویکرد تعامل‌گرایان در بین دو سبک بالا قرار دارد که هم بر فعالیت‌هایی که افراد برای تغییر محیط انجام می‌دهند و هم بر تأثیر عوامل محیطی بر افراد تأکید دارند. در چنین فضای مدیریتی، فرصت برای تعامل دانش‌آموزان و معلم بیشتر است و دانش‌آموزان شانس بیشتری برای کنترل مطلوب بر فعالیت‌های خود دارند. اصول نظری این سبک توسط آلفرد آدلر و دریکرز توسعه یافته است. (مارتین و بالدوین، ۲۰۰۰).

معلمان طبق باورهایشان درباره یادگیری و رشد دانش‌آموزان شیوه خاصی از مدیریت را در کلاس اعمال می‌کنند و بر این اساس که کدام رویکرد بر اعتقادات و عمل آنان مسلط است سبک مدیریتی آنان مشخص می‌شود و هر سبک با ایجاد شرایطی خاص و متفاوت در جو اجتماعی کلاس می‌تواند تأثیر متفاوتی بر رشد مهارت‌های فراشناختی دانش‌آموزان بگذارد.

## اهمیت موضوع

وانگ، هرتل و والبرگ<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) در یک فراتحلیل جامع بر روی منابع و تحقیقات در زمینه متغیرهای مربوط به یادگیری، یک چهارچوب مفهومی را سازمان‌دهی کردند که

---

<sup>۱</sup> - Lee Canter

<sup>۲</sup> - Ferdic Jones

<sup>۳</sup> - Walberg

شامل ۲۲۸ متغیر موثر در یادگیری مدرسه است که از منابع مربوط جمع آوری شده است.

این متغیرها هم در رابطه با رشد مهارت‌های فراشناختی و هم اثر بخشی برون دادهای آموزشی بیان شده‌اند. در این چهارچوب، متغیرها در ۳۰ مقیاس، درون ۶ گروه جای می‌گیرند.

گروه یک: متغیرهای منطقه‌ای - ایالتی<sup>۱</sup>

گروه دو: متغیرهای محیط بیرون مدرسه<sup>۲</sup>

گروه سه: متغیرهای سطح مدرسه<sup>۳</sup>

گروه چهار: متغیرهای دانش‌آموزی

گروه پنج: متغیرهای طراحی برنامه<sup>۴</sup>

گروه شش: متغیرهای اجرایی، آموزش کلاس و جو کلاس<sup>۵</sup> می‌باشند.

طبق گزارش این تحقیق موارد زیر با داشتن بالاترین میانگین در بین متغیرهای ذکر شده در منابع، بعنوان موثرترین عوامل در یادگیری مطلوب مشخص شده‌اند که

<sup>۱</sup> - State and District

<sup>۲</sup> - Out-of-school contentual

<sup>۳</sup> - School-level

<sup>۴</sup> - Program design

<sup>۵</sup> - Implementational Instructional and climate

عبارتند از : فراشناخت دانش‌آموزان، مدیریت کلاس، کیفیت آموزش، تعاملات معلم و دانش‌آموز و جو کلاس.

در بین این عوامل، فراشناخت از گروه متغیرهای دانش‌آموزی با بالاترین میانگین در بین کل متغیرها بعنوان یک عامل بسیار مهم شناخته شده که در متون علمی معاصر تاکید فراوانی بر آن شده است؛ و شامل خود - تنظیمی، استراتژیهای خود - کنترل و کاربرد استراتژیهای برای تسهیل درک کلی مفاهیم می‌باشد.

و دومین میانگین مربوط به متغیر مدیریت کلاس است (که با توجه به تعاریف ارائه شده از این مفهوم، متغیرهای مهم دیگر چون تعاملات معلم و دانش‌آموز و جو کلاس و آموزش را در بر می‌گیرد) که در پیشینه مربوط، مدیریت اثر بخش کلاس تصویری از همکاری، به هم پیوستگی و هدف‌مداری کلاسی است. با توجه به اهمیت فراشناخت در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان بررسی عوامل موثر بر رشد فراشناخت ضرورتی برای پژوهش‌های تربیتی می‌باشد. همچنین متغیر مدیریت کلاس به عنوان، اولین سطح مدیریت آموزشی که پایه سطوح بالاتر مدیریت یعنی مدیریت مدرسه، ناحیه و کل نظام آموزش و پرورش محسوب میشود در شکل دادن به ساختار آموزشی و فرایند تدریس و ساخت شخصیت و روند ذهنی، عاطفی، آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان نقش اساسی دارد.

در نتیجه سبکها و شیوه‌های متفاوتی که معلمان در مدیریت کلاس پیاده می‌کنند می‌تواند اثرات متفاوت و مهمی بر روی عملکرد دانش‌آموزان بگذارد؛ لذا شناخت چگونگی این تاثیر و تشخیص اثر بخش ترین سبکها بر رشد فراشناخت دانش‌آموزان، جهت تهیه الگویی کاربردی برای مربیان تعلیم و تربیت مفید و ضروری می‌باشد (عالی، ۱۳۸۳، ۱۲).

#### اهداف تدریس :

- ۱- بررسی تاثیر سبکهای مدیریت کلاس معلمان (غیرمداخله گر، تعامل گر، مداخله گر) بر میزان رشد دانش فراشناختی دانش‌آموزان.
- ۲- بررسی تاثیر سبکهای مدیریت کلاس معلمان (غیرمداخله گر، تعامل گر، مداخله گرا) بر میزان رشد مهارتهای فراشناختی دانش‌آموزان.
- ۳- بررسی میزان بهره مندی معلمان از سبکهای مدیریت کلاس (مدیریت آموزشی، مدیریت افراد، و مدیریت رفتار).
- ۴- بررسی میزان بهره مندی دانش‌آموزان از فراشناخت (دانش فراشناختی، مهارتهای فراشناختی).
- ۵- مطالعه ارتباط بین سبکهای مدیریت کلاس معلمان با سطح تحصيلات آنها.
- ۶- مطالعه ارتباط بین سبکهای مدیریت کلاس معلمان با سابقه خدمت آنها.
- ۷- مطالعه ارتباط بین سبکهای مدیریت کلاس معلمان با رشته تحصيلی آنها.

### سوالات جانبی تدریس

- ۱- بهره مندی معلمان از سبک‌های مدیریت کلاس (مدیریت آموزشی، مدیریت افراد، مدیریت رفتار) به چه میزان است؟
- ۲- بهره مندی دانش‌آموزان از میزان فراشناخت (دانش فراشناخت و مهارت‌های فراشناخت) به چه میزان است؟
- ۳- آیا تفاوت معناداری بین سبک‌های مدیریت کلاس با تاکید بر تحصیلات وجود دارد؟
- ۴- آیا تفاوت معناداری بین سبک‌های مدیریت کلاس با تاکید بر سابقه خدمت وجود دارد؟
- ۵- آیا تفاوت معناداری بین سبک‌های مدیریت کلاس با تاکید بر رشته تحصیلی وجود دارد؟



# فصل دوم

## مبانی نظری

## مقدمه

توانایی اداره کلاس و ایجاد رفتار مطلوب در دانش‌آموزان، بخشی مهم از کار معلم در کلاس و زمینه مناسب برای یادگیری است. به نظرمی رسد معلم برای اداره مطلوب کلاس به دو مهارت نیاز دارد :

۱- برقراری ارتباط موثر و مثبت با دانش‌آموزان

۲- مدیریت کلاس

این دو مهارت باعث تسهیل امر آموزش و کاهش رفتارهای نامطلوب در دانش‌آموزان می‌شود. جو کلاس در هر شرایط بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به مدرسه، مطالعه، تحصیل و حتی خود پنداری آنان تاثیر می‌گذارد (کدیور، ۱۳۸۲، ۲۲۷).

ارتباط مناسب میان معلم و دانش‌آموز، اغلب محور اثر بخشی معلم است. ارتباط مفید مستلزم آن است که معلمان از شناخت لازم و جامع هم نسبت به موضوع درسی وهم نسبت به دانش‌آموزان خویش برخوردار باشند، چنین امری برای ایجاد یک پل ارتباطی بین دانش‌آموزان و موضوع درسی کمک می‌کند، معلمان را نیز قادر می‌سازد که موضوع درسی را به شاگردان خویش تفهیم کنند. برعکس ارتباط سطحی و ضعیف میان معلم و دانش‌آموز موجب می‌شود که حتی یادگیری مطالب ساده نیز میسرنباشد. بنابراین روابط مبتنی بر محبت، احترام و باور متقابل میان معلم و دانش‌آموز می‌تواند بر میزان انگیزه دانش‌آموز تاثیر گذارد.